

## مطالعه تطبیقی سازوکار شناسایی قانون حاکم بر دعاوی ناشی از نقض مقررات حفاظت از داده‌های خصوصی و چالش‌های پیش رو در حقوق ایران و اتحادیه اروپا

hosadeghi@ut.ac.ir

حسین صادقی / استادیار گروه حقوق، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

مهدی ناصر / دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه علوم قضایی

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

### چکیده

ابداع فناوری اینترنت اشیاء و توسعه شرکت‌های کنترل‌کننده و پردازنده اطلاعات، در مواردی منجر به ایجاد دعاوی متعدد می‌گردد که مهم‌ترین مسئله در این پروسه، شناسایی قانون حاکم بر دعوا می‌باشد. هدف این پژوهش، تبیین قانون حاکم بر این دعاوی، مطابق با مبانی حقوق ایران و اتحادیه اروپا و تحلیل تراحمات آن، با اصول کلی حقوق بین‌الملل است. روش تحقیق، پژوهش اسنادی و سؤال اصلی این است که سازوکار تعیین قانون حاکم بر چنین دعاوی، بر چه اساسی استوار بوده و تراحمات این قاعده، با چه اصولی از حقوق بین‌الملل قابل تصور است؟ یافته‌ها حاکی از این است که قانون کشور محل استقرار شرکت اصلی کنترل‌کننده را به عنوان قانون حاکم بر این دعاوی در اتحادیه اروپا معرفی و در ایران، مطابق با ماهیت دعوا، قائل به تفکیک شده است. اما این قاعده با برخی اصول حقوق بین‌الملل، از جمله اصل سرزمینی بودن، اصل حمایت در حقوق بین‌الملل، اصل تنظیم‌گری کشور مبدأ و اصل تنظیم‌گری کشور مقصد در تعارض است. از این رو، برای حل تعارضات موجود، سیاست‌گذاری تقنینی از سوی نهادهای قانون‌گذار ضروری است.

کلیدواژه‌ها: اینترنت اشیاء، اتحادیه اروپا، حقوق بین‌الملل، قانون حاکم بر دعوا.

حفاظت از داده‌های خصوصی، همواره یکی از مسائل مهم در عرصه بین‌الملل بوده است، به گونه‌ای که حل و فصل برخی ابهامات مربوط به این حوزه، نظام حقوقی اتحادیه اروپا را در سال ۱۹۸۱، ملزم به تصویب پیش‌نویس دستورالعمل‌های حفظ حریم خصوصی کرد. عدم پاسخگویی دستورالعمل مذکور به مسائل حادث در دهه ۱۹۹۰ و ایجاد مسائل مستحدث مرتبط با بسترهای متمرکز، مانند صفحه گسترده جهانی، منجر به تصویب دستورالعمل پارلمان اروپا در حفاظت از اشخاص، در سازوکار پردازش اطلاعات خصوصی و آزادی تبادل آنها در سال ۱۹۹۵ شد (اشنایدر و دیگران، ۲۰۱۹، ص ۴۵). اما مسئله شناسایی قانون حاکم بر رسیدگی به دعاوی ناشی از نقض قواعد امنیتی این مقررات و عدم وجود مقررهای خاص برای پاسخگویی به ابهامات مذکور از یک سو، و پیدایش بسترهای نامتمرکز، مانند بلاک چین (Blockchain) و ابداع ابزارهای اینترنت اشیا از سوی دیگر، بازنگری مقررات را در دستورکار سیاستگذاران قرار داد. آیین‌نامه عمومی حفاظت از داده‌های خصوصی مصوب ۲۰۱۶، مقررات جدیدی است که در ماه می سال ۲۰۱۸، به مرحله اجرا درآمد. مطابق با ماده ۱۲ پیمان عملکرد اتحادیه اروپا، تمامی کشورهای عضو اتحادیه، در مواجهه با مقررات مصوب، ملزم به به‌کارگیری این مقررات در نظام داخلی خود می‌باشند.

در نظام حقوقی ایران، تنها سند قانونی که در زمینه حفاظت اطلاعات خصوصی دارای احکامی می‌باشد، قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ می‌باشد. مواد ۵۸ و ۵۹ این قانون، دارای مقرراتی در جهت کیفیت پردازش داده‌های خصوصی اشخاص می‌باشد. اما در هیچ یک از مقررات این قانون و سایر قوانین مصوب در ایران، هیچ حکمی در جهت تعیین قانون حاکم بر دعاوی موضوع این پژوهش وجود ندارد. نوآوری این پژوهش در مقایسه با سایر مقالات و کتب منتشره در جامعه علمی ایران، این است که در پژوهش‌های پیشین، محققان تنها به تشریح مسئله قانون حاکم بر قرارداد یا قانون حاکم بر الزامات خارج از قرارداد، در دعاوی داخلی پرداخته و تاکنون هیچ پژوهشگری، مبادرت به بررسی قانون حاکم بر نقض مقررات حفاظت از داده‌های خصوصی نپرداخته است. از آنجاکه ماهیت این دعاوی، که ناشی از سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا می‌باشند، مختلط بوده و دربردارنده مسائل مرتبط با الزامات قراردادی و خارج از قرارداد می‌باشد، نظام حقوقی اتحادیه اروپا، در جدیدترین سند قانونی مصوب خود در سال ۲۰۱۶، به تبیین این موضوع پرداخته است. این مسئله نیز تاکنون نه از دیدگاه نظام حقوقی اتحادیه اروپا و نه از دیدگاه مقررات حاکم بر نظام حقوقی ایران، در هیچ اثر علمی در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. مقاله حاضر در محوریت موضوعی خود، واجد نوآوری صد درصد می‌باشد.

هدف اصلی در تألیف این پژوهش، شناسایی قانون حاکم بر دعاوی ناشی از نقض مقررات حفاظت از اطلاعات خصوصی اشخاص، در سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا، در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا است. سؤال اصلی تحقیق این است که قاعده موجود در این زمینه چه بوده و این معیار، چه تعارضاتی با اصول کلی حقوق بین‌الملل خواهد داشت؟ فرضیه تحقیق این است که مطابق با مبانی موجود در حقوق اتحادیه اروپا، قانون حاکم تابع قانون

کشور محل استقرار شرکت مادر کنترل کننده بوده و این رویکرد، با اصول حقوق بین الملل از جمله اصل سرزمینی بودن، اصل حمایت در حقوق بین الملل، اصل تنظیم کشور مبدأ و کشور مقصد می باشد. در نظام حقوقی ایران نیز مطابق با ماهیت دعوا، باید قائل به تفکیک بود. این مقاله، به روش اسنادی و با رویکردی تحلیلی، در مطالعه مقررات مصوب اتحادیه اروپا، در چهار گفتار، با تبیین مفهوم شناسی و سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا، به تحلیل قاعده حاکم بر حقوق اتحادیه اروپا و ایران، در تعیین قانون حاکم بر دعاوی ناشی از نقض مقررات حفاظت از اطلاعات خصوصی پرداخته و پس از آن، به تعارضات موجود میان مبانی تعیین قانون حاکم و اصول حقوق بین الملل اشاره کرده است.

### مفهوم شناسی و سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا

روابط حقوقی افراد، همواره دستخوش تغییر و تحولاتی بوده است که گاه این تحولات، منجر به طرح دعاوی در دادگاهها می گردد. توسعه فناوری اطلاعات در عصر حاضر، منجر به ابداع ابزارهای جدیدی شده است که گسترش آنها به سراسر جهان، مسائل مستحدثه جدیدی را پیش روی نظامات حقوقی قرار داده است. اولین و مهم ترین مسئله در حل اختلافات حقوقی افراد، تعیین قانون حاکم بر دعوا می باشد (شونزر، ۲۰۱۶، ص ۶۳). تعیین قانون حاکم بر دعاوی، ناشی از نقض مقررات حفاظت از داده های خصوصی، زمانی وجهه کاربردی خواهد یافت که در ابتدای امر، مفهوم شناسی سازوکاری که می تواند نقض مقررات حاکم بر آن، منجر به طرح دعوی مذکور گردد، مورد تبیین قرار گیرد. از این رو، در اینجا به مفهوم شناسی و سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا می پردازیم. تا پیش از ابداع ابزارهای اینترنت اشیا، چالش اساسی حقوق بین الملل، تعیین قانون حاکم بر قرارداد یا روابط خارج از قرارداد، طرفین دعوا بوده است. اما ایجاد سازوکارهایی که دارای ماهیت مختلط قراردادی خارج از قرارداد می باشد، موجب ایجاد چالش های جدیدی در سطح بین الملل شده است.

در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، تنها تعریفی که با تدبیر در اسناد مصوب این اتحادیه از اینترنت اشیا می توان یافت، تعریف مقرر در ماده ۲۹ اعلامیه مرکز نظارت بر داده پیام های اتحادیه اروپا، مصوب ۲۰۱۰، با الحاقات و اصلاحات ۲۰۱۵ می باشد. مطابق با مفاد ماده مذکور، «اینترنت اشیا، زیرساخت هایی می باشند که در آن میلیاردها حسگر تعبیه شده در دستگاه های کاربردی روزمره برای ضبط، پردازش، ذخیره و انتقال داده ها طراحی شده و همانطور که از قابلیت ارتباط با عامل انسانی برخوردار هستند، با بهره مندی از شناسه های منحصر به فرد، با دستگاه ها یا سیستم های دیگر، با استفاده از قابلیت های شبکه تعامل برقرار می کنند» (رینگارت، ۲۰۱۹، ص ۴۵). همانطور که در این تعریف بیان شده، اینترنت اشیا ابزارهایی می باشند که انواع مختلف حسگرها، با تعبیه بر بدنه این ابزارها، امکان انجام وظایف تعیین شده برای آنها را فراهم می کنند. این ابزارها، دارای پردازنده ای می باشند که با ارائه دستورالعمل هایی توسط طراح آنها، در راستای چگونگی بهره مندی از حسگرهای مذکور برنامه ریزی می شوند.

این ابزارها، قادر به اتصال به بسترهای متمرکز، مانند صفحه گسترده جهانی و یا بسترهای نامتمرکز، مانند بلاک چین می‌باشند. اتصال به این بسترها، قابلیت ارسال داده پیام‌های جمع‌آوری شده از سوی آنها را به یکدیگر، یا کنترل‌کنندگان آنها و دریافت داده‌های پردازش شده فراهم می‌آورند.

کنترل‌کنندگان این ابزارها، همان گونه از نامشان پیداست، اشخاصی هستند که وظیفه کنترل و نظارت بر عملکرد ابزارهای مذکور را بر عهده دارند. از آنجاکه کنترل‌کنندگان ابزارهای اینترنت اشیا، عموماً تولیدکنندگان آنها نیز هستند، وظیفه ارائه خدمات پس از فروش، به خریداران این ابزارها را نیز بر عهده دارند (گیسلا، ۲۰۱۹، ص ۱). تدبیر در مفاد بند هفتم از ماده چهارم از مقررات مصوب ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا، می‌تواند تعریف قانونی ارائه شده از این اشخاص را ارائه دهد. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «کنترل‌کننده شخص حقیقی یا حقوقی، مرجع عمومی، نمایندگی یا هر نهاد دیگری است که به تنهایی یا به طور مشترک با دیگران، اهداف و وسایل پردازش داده‌های شخصی را تعیین می‌کند». مطابق با ماده مذکور، فراهم آوردن مقدمات پردازش داده‌های جمع‌آوری شده، توسط کنترل‌کنندگان ابزارهای اینترنت اشیا صورت می‌پذیرد.

ابزارهای اینترنت اشیا، برای انجام تمامی وظایف ارائه شده به پردازنده خود، نیاز به جمع‌آوری اطلاعات از محیط پیرامون خود، ذخیره و ارسال آنها به کنترل‌کننده خود دارند. این اطلاعات، می‌تواند انواع داده پیام‌های الکترونیکی، از جمله اطلاعات خصوصی اشخاص باشد. کنترل‌کنندگان ابزارهای مذکور نیز برای پردازش این اطلاعات به زبان ارائه شده به پردازنده ابزار، آنها را به شرکت‌های پردازنده اطلاعات ارسال می‌کنند. به تعبیر بند هشتم از ماده چهارم آیین‌نامه مزبور، پردازنده «شخصی حقیقی یا حقوقی، مقامات دولتی یا هر نهاد دیگری است که داده‌های شخصی را از طرف کنترل‌کننده پردازش می‌کند». از این رو، پردازندگان اطلاعات، تحت مکانیسم تعیین شده از سوی کنترل‌کننده، مبادرت به پردازش اطلاعات و ارسال آن به کنترل‌کننده می‌کند.

مقررات مصوب ۲۰۱۶، در راستای جهت‌بخشی بر سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا، علاوه بر پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی بر عملکرد کنترل‌کنندگان و پردازندگان این ابزارها، از جمله ضرورت شفافیت مکانیسم پردازش و ارائه کامل گزارش فرایند مذکور، به دارنده ابزار و دولت متبوع وی (ماده ۵) و اخذ مجوزهای لازم در فعالیت اشخاص مذکور از نهادهای صلاحیت‌دار کشور متبوع دارنده (ماده ۴۲)، مبادرت به پیش‌بینی برخی حقوق اساسی، برای دارندگان این ابزارها برای نظارت بر نحوه جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آنها، توسط کنترل‌کنندگان و پردازندگان کرده است. از جمله این حقوق، حق رضایت صریح و دسترسی به تمامی اطلاعات، در سازوکار جمع‌آوری و پردازش آنها می‌باشد (ماده ۶ آیین‌نامه عمومی حفاظت از اطلاعات اتحادیه اروپا). علاوه بر آن، مطابق با نص صریح ماده ۱۶ این مقررات، دارنده در هر مرحله از پردازش، قادر به جلوگیری و ایجاد محدودیت در کمیت و کیفیت پردازش اطلاعات می‌باشد. اما علی‌رغم وجود سازوکارهای نظارتی مزبور، امکان نقض هریک از سازوکارهای نظارتی یا سایر سازوکارهای موجود در سایر مواد آیین‌نامه توسط پردازنده یا کنترل‌کننده این ابزارها

وجود دارد. آنچه می‌تواند محل بحث قرار گیرد، قانون حاکم بر دعاوی ناشی از نقض مقررات حاکم بر پردازش اطلاعات مذکور است. در سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا، در صورتی که دارنده ابزار، کنترل کننده و پردازنده در کشوری واحد بوده و مقررات یک کشور بر آنها اعمال گردد، مسئله ای از باب تعارض قوانین به وجود نخواهد آمد. اما در صورتی که هر یک از اشخاص مذکور، دارای تابعیت کشوری مجزا از دیگران باشد، امکان ایجاد تعارض در قوانین حاکم بر دعاوی وجود دارد.

در سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا، به جهت شرایط حاکم بر فعالیت همزمان پردازندگان و کنترل کنندگان و روابط میان این دو نهاد و دارندگان اطلاعات، امکان استفاده همزمان از قواعد کلی بیان شده، در زمینه قانون حاکم بر روابط قراردادی و خارج از قرارداد وجود نداشته و به کارگیری قواعد مذکور دارای مشکلاتی در آیین رسیدگی به دعاوی می‌باشد. وجود مشکلات مذکور، منجر به به کارگیری پروسه‌ای جدید در نظام حقوقی حاکم بر اتحادیه اروپا شده است که البته این فرایند نیز خود در مواردی، در تزامن با اصول کلی حقوق بین الملل می‌باشد. اما در حقوق ایران، به جهت عدم وجود هرگونه سیاست گذاری تقنینی در زمینه تعیین قانون حاکم بر این نوع دعاوی، برای تعیین تکلیف امر، به ناچار باید به قواعد عام حقوقی توسل جست که در ادامه، به تبیین این مهم می‌پردازیم.

### سازوکار شناسایی قانون حاکم بر دعاوی نقض مقررات حفاظت از اطلاعات خصوصی در اتحادیه اروپا

در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، با تدبیر در ماده ۵۶ آیین نامه مصوب ۲۰۱۶ و بند ۲ از ماده ۳۲ راهنمای مصوب ۲۰۱۷ این آیین نامه، می‌توان گفت که قانون حاکم در رسیدگی به دعاوی مطروحه، تابع قانون کشور متبوع کنترل کننده می‌باشد. همچنین، در صورتی که کنترل کننده ابزار، به صورت شرکت دارای شعب متعدد یا شرکت‌های وابسته باشد، به حکم بند ۴ از ماده ۳۲ راهنمای مرقوم، قانون کشور محل استقرار شرکت مادر، صالح به رسیدگی خواهد بود. در این خصوص، به حکم بند ۷ از ماده ۳۲ راهنما، تفاوتی میان وجود تابعیت اروپایی یا غیر اروپایی شرکت مادر وجود نخواهد داشت. مطابق با مفاد ماده ۷۷ آیین نامه مصوب ۲۰۱۶، زبان بیننده قادر به اقامه دعا در دادگاه محل وقوع تخلف، یا محل وقوع زبان می‌باشد. از این رو، در صورتی که هر یک از دادگاه‌های مذکور، مبادرت به رسیدگی به دعا نموده و حکم بر محکومیت وارد کننده زبان صادر نمایند، کشور متبوع وی باید حکم مذکور را به اجرا درآورد (هورنل، ۲۰۱۹، ص ۱۵۰). اما چنانچه کشور محل اقامه، جزو کشورهای عضو اتحادیه اروپا نباشد، الزامی برای اجرای مقررات اتحادیه ندارد. حال چنانچه قواعد حاکم بر نظام حقوقی آن کشور، مغایر با قواعد اتحادیه بوده و حکمی مغایر با مقررات اتحادیه صادر شود، آیا حکم قابلیت اجرا در یکی از کشورهای اتحادیه را خواهد داشت؟

اهمیت سؤال مذکور از این جهت است که حکم مذکور در تعیین قانون حاکم بر دعا در اتحادیه اروپا، قابلیت اجرا در سایر کشورها را ندارد. داده‌های خصوصی اشخاص، داده پیام‌های متشکل از اطلاعات شناسایی افراد، از جمله اطلاعات بیومتریک آنها می‌باشند. از این رو، هرگونه سوءاستفاده از این اطلاعات، می‌تواند تبعات سنگینی به

همراه داشته باشد. از آنجاکه این اطلاعات مرتبط با امنیت ملی یک کشور می‌باشد، طبیعتاً وظیفهٔ حفاظت از آنها و ایجاد سازوکارهای حفاظتی مرتبط با حاکمیت هر کشور بوده و این امر، زمینهٔ ورود این بحث به اعمال حاکمیتی کشورها را فراهم می‌آورد. از آنجاکه اجرای مقررات حاکم بر حفاظت از اطلاعات، به طور مستقیم با نظم عمومی هر کشور در تزامن است، به نظر می‌رسد مطابق با این دیدگاه، در رسیدگی به دعاوی مطروحه در سایر کشورها، دادگاه‌ها عموماً با اعمال قانون مقر دادگاه، مبادرت به حل و فصل دعاوی نمایند؛ چراکه بحث نقض قواعد امنیتی در اکثریت موارد، با جرایم مرتبط با اموال، از جمله خیانت در امانت تلازم دارد. در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده به دعوا، به جهت حاکمیتی بودن قواعد جزایی، حکم بر محکومیت کیفری فرد، بر اساس قانون مقر دادگاه نموده و در خصوص مسئولیت مدنی وی در قانون کشور دیگری، به دنبال حکم قانون گذار باشد، ممکن است قانون کشور ثالث، محکوم علیه را واجد مسئولیت مدنی قلمداد نکند. از این رو، رویکرد بسیاری از کشورها در مواجهه با موارد امنیتی، اعمال قوانین مسئولیت مدنی کشور مقر دادگاه خواهد بود. علاوه بر این، در صورتی که هیچ گونه رابطهٔ قراردادی میان زیان دیده و عامل زیان نباشد، اعمال قواعد کلی تعیین قانون حاکم بر قرارداد در شناسایی قانون حاکم بر دعوا نیز جاری نمی‌باشد. در این مسئله، با نوعی تعارض مثبت در تعارض قوانین مواجه خواهیم بود که هر کشور، قانون داخلی خود را حاکم بر دعوا شناخته، قانون کشور دیگر را مخالف با نظم عمومی کشور خود تلقی نماید. ثمره این امر نیز عدم امکان اجرای آرای صادره از دادگاه‌ها می‌باشد که لازم است هر چه سریعتر سیاست‌گذاری تقنینی در این زمینه تدوین شود.

سؤال دیگری که در این خصوص مطرح است اینکه معیار تعیین استقرار و فعالیت کنترل کننده در یک کشور برای شناسایی قانون حاکم بر دعوا چه می‌باشد؟ در این زمینه، معیار مشخصی در آیین نامه مصوب ۲۰۱۶ وجود نداشته و دادگاه‌های فراملی اتحادیه اروپا، از جمله دادگاه عالی عدالت اتحادیه اروپا (Court of Justice of the European Union) نیز در آرای متضادی که در این زمینه صادر نموده‌اند، بر ابهامات موجود صحنه گذاشته‌اند. این دادگاه در برخی از آرای خود، از جمله آرای صادره در پرونده‌های ولتیمو علیه نمزتی، گوگل علیه گوگل اسپین و مرکز ایالتی مستقل، برای حفاظت از داده‌ها شلسویگ-هلشتاین علیه شرکت شفلینگ هاسل، با ارائه تعریفی از عبارت «تأسیس» به معنای «فعالیت مؤثر و واقعی از طریق تمهیدات پایدار»، عدم نیاز به وجود فیزیکی کنترل کننده در یک کشور خاص و لزوم توجه به کیفیت فعالیت وی، در کشور را برای احراز استقرار کنترل کننده لازم شمرده است. در مقابل، دادگاه مذکور در آرای صادره در پرونده‌هایی از جمله پرونده موسوم به «انجمن اطلاعات مصرف کننده»، به دلایلی همچون امکان اجرای رأی بر علیه شرکت محکوم و با اشاره به مواردی همچون لزوم کسب مجوز از کشور متبوع برای فعالیت، که یکی از اسباب این موضوع وجود ساختار فیزیکی شرکت و ثبت آن در کشور مذکور می‌باشد، بر ضرورت وجود یک مرکز فیزیکی ملحق به شرکت اهتمام ورزیده است. به نظر

نگارندگان نیز رأی اخیر صادره از این دادگاه، می‌تواند در مقام عمل، صحیح‌تر به نظر رسد؛ چراکه لزوم دسترسی دارنده به کنترل‌کننده و نظارت بر کمیت و کیفیت اطلاعات دریافتی، لازمه ثبت مکانی فیزیکی به نام «شرکت» می‌باشد تا اهداف مقرر قانونی، که در مواد ۵ و ۶ و ۱۶ این مقررات که در گفتار پیشین توضیح داده شد، میسر گردد.

### سازوکار شناسایی قانون حاکم بر دعاوی نقض مقررات حفاظت از اطلاعات خصوصی در ایران

در نظام حقوقی ایران، به جهت خلأ تقنینی موجود در این زمینه، به ناچار باید در میان روابط طرفین قائل به تفکیک شد. همانطور که بیان شد، در سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا، روابط میان کنترل‌کننده - پردازنده و دارنده اطلاعات - کنترل‌کننده ناشی از قراردادهای منعقد شده میان دو طرف خواهد بود. از این رو، اگر دعوی در این فرایند میان آنها رخ دهد، می‌توان با توسل به قواعد حاکم بر تعیین قانون حاکم بر قرارداد، در این زمینه معیارهایی ارائه کرد. نکته‌ای که می‌توان در این خصوص بیان داشت اینکه قرارداد میان کنترل‌کننده و دارنده اطلاعات، از نوع قراردادهای میان تاجر و مصرف‌کننده می‌باشد که تابع احکام خاصی در حقوق ایران است. اما قرارداد میان پردازنده و کنترل‌کننده، تابع قواعد عام تلقی می‌گردد. در قراردادهای میان دارنده و کنترل‌کننده، تعیین قانون حاکم بر قرارداد، مستفاد از مقررات مواد ۴۵ و ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی قانونی، که حمایت بیشتری از مصرف‌کننده نماید، حاکم بر قرارداد بوده و مفاد آن اعمال خواهد شد. این معیار، در مقررات بین‌المللی از جمله ماده ۶ مقررات رم ۱ نیز مورد تصریح قرار گرفته است. اما در قراردادهای میان کنترل‌کننده و پردازنده، در صورتی که طرفین قرارداد تابعیت کشور خارجی داشته باشند، تابع حاکمی اراده آنها و اگر طرفین یا یکی از آنها، تابعیت کشور ایران را داشته باشد، به حکم ماده ۹۶۸ قانون مدنی، قرارداد تابع قانون محل وقوع عقد خواهد بود.

در خصوص ماهیت این ماده، اختلاف نظراتی وجود دارد: عده‌ای با توجه به اعتبار بخشیدن به ظاهر ماده و توجیه امره بودن قانون مدنی، نظر بر اجباری بودن مفاد این مقرر دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۳۷۶). بر خلاف این نظر، عده‌ای دیگر با توجه به مبانی پذیرفته شده در حقوق خصوصی و اختیاری بودن این قواعد، این مقرر را تکمیلی تلقی و اجرای آنها را تنها در صورتی جایز می‌دانند که طرفین قرارداد در این خصوص سکوت کرده و صریحاً یا ضمناً قانون حاکم بر قرارداد را تعیین نکرده باشند (سلجوقی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۵). عده‌ای دیگر، با توجه به سابقه تقنینی این ماده و بیان اشتباه مجلس قانون‌گذاری وقت در تلقی قانون حاکم بر قرارداد، به جای دادگاه صالح بر رسیدگی به دعاوی ناشی از قرارداد و با بیان ضرورت الغای خصوصیت از مفاد این ماده، نظر بر تخییری بودن این مقرر داشته‌اند (شریعت‌باقری، ۱۳۹۵، ص ۳۵۰). امروزه ماده ۲۷ قانون دآوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶، ملاک رسیدگی داور بر دعاوی را قانون تعیین شده توسط طرفین تعیین کرده است. به نظر نگارندگان، صرف نظر از اینکه رویکرد قانون‌گذار وقت در تصویب ماده ۹۶۸ قانون مدنی چه بوده و آیا مقررات این ماده، قانونی تکمیلی یا الزام آور است، می‌توان در جمع مقررات مواد ۹۶۸ و ۲۷، حکم بر تکمیلی بودن مقررات ماده ۹۶۸ داد.

ثمره تفکیک میان تکمیلی یا آمرانه بودن مقررات ماده ۹۶۸، در ایجاد یا عدم ایجاد تعارض مثبت در قوانین کشورها بروز می‌کند. امروزه در سطح بین‌الملل، قوانین متعددی از جمله ماده ۴ مقررات رم ۱ قانون حاکم بر قرارداد را قانون نشأت گرفته از توافق طرفین می‌دانند. در صورتی که حقوق ایران نیز واجد این حکم باشد، علاوه بر متحدالشکل شدن قوانین داخلی و بین‌المللی، اگر حکمی در این زمینه از سوی دادگاه ایرانی صادر گردد، در اتحادیه اروپا و سایر نقاط جهان نیز قابل اجرا خواهد بود. اما اگر قانون ایران واجد حکمی مغایر با قوانین آمره بین‌المللی باشد، اجرای احکام صادره از سوی دادگاه‌های ایران می‌تواند با چالش همراه شود.

در خصوص تعیین قانون حاکم بر روابط میان دارنده و پردازنده نیز به جهت عدم وجود هرگونه رابطه قراردادی در این زمینه، تعیین قانون حاکم بر دعوا، تابع مقررات تعیین قانون حاکم بر الزامات خارج از قرارداد خواهد بود. در این زمینه، حقوق دانان در ایران، معیارهای متعددی ارائه نموده‌اند: عده‌ای با توسل به جنبه ایجابی اصل سرزمینی بودن و دلالت الفاظ عام موجود در ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی و توجه به دلایلی، از جمله حاکمیت قوانین درون مرزی بر برون مرزی، نظر بر صلاحیت قانون حاکم بر مقر دادگاه داشته‌اند (نیک‌بخت و عیوض‌پور، ۱۳۹۰، ص ۲۲). عده‌ای دیگر با تأثر از مبانی موجود در سطح بین‌الملل، از جمله ماده ۳ کنوانسیون لاهه به عنوان یک قاعده کلی، قانون حاکم بر وقایع حقوقی را تابع قانون محل وقوع زیان می‌دانند. عده‌ای دیگر نیز با ارائه استدلالاتی، از جمله ضرورت وجود ارتباط میان دعوا و قانون حاکم بر آن و امکان بهتر رسیدگی قضایی، قانون دارای نزدیک‌ترین ارتباط با دعوا را حاکم بر آن تلقی نموده‌اند (نیازی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۸۰-۸۴). به نظر می‌رسد از آنجا که اصولاً تعهدات ناشی از قرارداد، تابع قانون محل وقوع عقد است، حقوق ناشی از وقایع حقوقی نیز باید تابع قانون محل وقوع باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۴۹۷). از این رو، از آنجا که در روابط میان دارنده و پردازنده، همواره محل وقوع زیان، محل سوءاستفاده از اطلاعات دارنده یا همان استقرار پردازنده اطلاعات می‌باشد، مطابق با مبانی حقوقی کشور ایران، قانون حاکم بر روابط میان دارنده و پردازنده، همواره تابع محل استقرار پردازنده اطلاعات خواهد بود.

### **تعارضات موجود میان قاعده تعیین قانون حاکم بر دعاوی و اصول حقوق بین‌الملل**

اعمال قاعده محل استقرار شعبه اصلی کنترل‌کننده، به عنوان قانون حاکم با برخی از اصول کلی حقوق بین‌الملل، تعارضاتی ایجاد می‌کند که در ذیل به تشریح این موارد می‌پردازیم.

#### **۱. اصل سرزمینی بودن**

اصل سرزمینی بودن رسیدگی به دعاوی، یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل است که می‌تواند تعیین قانون حاکم بر دعاوی موضوع بحث را تحت‌الشعاع قرار دهد و یکی از آثار مستقیم آن، ارتباط کامل دعوا با عنصر متبوع یک کشور می‌باشد (کرافورد، ۲۰۱۹، ص ۴۵۸). مطابق با این اصل، قانون حاکم بر دعوا قانون کشوری است که



بیشترین ارتباط با موضوع مطروحه را دارد. از آنجاکه در سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا، بیشترین نقش در این عملکرد، بر عهده اشخاص پردازنده اطلاعات می‌باشد، به طور طبیعی بر اساس اصل مذکور، قانون حاکم نیز باید قانون کشور متبوع پردازنده باشد. این اصل متشکل از دو عنصر محل استقرار تجهیزات و محل پردازش داده‌ها، در تعیین قانون حاکم می‌باشد که به تعبیر دکترین حقوق بین‌الملل، در موارد تعارض میان محل استقرار تجهیزات پردازنده و محل پردازش داده، تعیین قانون حاکم باید بر اساس قانون محل پردازش داده صورت پذیرد (لیندکویست، ۲۰۱۸، ص ۵۱). از این رو، اگر تجهیزات کلی مربوط به پردازش داده‌های یک شرکت پردازنده در کشور آمریکا باشد، ولی عملیات پردازش داده و ارسال آن به کنترل کننده در هواپیمایی یا کشتی، که از محدوده صلاحیت سرزمینی کانادا عبور کرده باشد، اصولاً قانون حاکم بر دعوا، باید قانون متبوع کشور کانادا تلقی گردد (راینگارت، ۲۰۱۵، ص ۱۹). علاوه بر این، بر فرض اگر در میان تحلیل گرها، در خصوص میزان نقش پردازنده یا کنترل کننده در سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا اختلاف به وجود آید، و برخی نظر بر نقش بیشتر کنترل کننده در این پروسه داشته باشند، قدرمتیقن در قابلیت اعمال قانون محل پردازش داده، زمانی می‌باشد که پردازشگر در این پروسه، مبادرت به نقض قاعده کند که در هر حال، مطلق بودن قاعده موجود در نظام حقوقی اتحادیه اروپا بر تعیین قانون حاکم بر اساس قانون کشور محل استقرار کنترل کننده را تخصیص می‌زند. این قاعده، مطابق با آنچه در حقوق ایران نیز مورد تحلیل قرار گرفت، معارض با قاعده حاکم بر دعاوی میان کنترل کننده - پردازنده و دارنده اطلاعات - کنترل کننده می‌باشد. در خصوص قانون حاکم بر روابط دارنده-پردازنده نیز اگر معیار تعیین قانون دارای بیشتری ارتباط مورد پذیرش قرار گیرد، این قاعده مطابق با اصل سرزمینی بودن است. در غیر این صورت، حکم موجود واجد تعارضاتی خواهد بود.

## ۲. اصل حمایت در حقوق بین‌الملل

مطابق با این اصل، در رسیدگی به دعاوی ناشی از نقض قواعد حفاظت از داده‌های خصوصی، قانون کشوری حاکم بر دعواست که بیشترین لطمه از نقض قواعد امنیتی به کشور مذکور، یا هر یک از عناصر مرتبط با این کشور وارد شده باشد (کوهل، ۲۰۲۰، ص ۱۶۹). این نظر در یکی از آرای دادگاه عالی عدالت اتحادیه اروپا، در پرونده (C-131/12 Google Spain) که زمان صدور آن به تاریخ پیش از تصویب مقررات مصوب ۲۰۱۶ باز می‌گردد، تصریح شده است. از این رو، مطابق با این اصل هر یک از قوانین کشورهای متبوع دارنده، کنترل کننده و پردازنده، حسب مورد، می‌توانند به عنوان قانون حاکم بر دعوا تلقی گردند. اما تعیین مرجع تشخیص قانون کشوری که بیشترین خسارت بر منافع آن در این زمینه وارد شده است، مورد سؤال است. مرجع تشخیص، دادگاه رسیدگی کننده است یا خواهان دعوا؟ علاوه بر این، تعیین معیار تشخیص خسارات وارده یک سؤال مهم دیگر است. به عنوان مثال، در صورتی که کنترل کننده دارای تابعیت کشور آمریکا بوده و دارنده تبعه کانادا باشد، اگر از اعمال حاصل از

پردازش داده‌های خام ارسال شده، از سوی کنترل‌کننده به وی و ارسال شده به ابزار اینترنت اشیا، خسارات جانی یا مالی به دارنده وارد و از این راه شهرت تجاری و اعتبار کنترل‌کننده در سطح بین‌الملل تحت‌الشعاع قرار گیرد، معیار تشخیص بیشترین خسارت، چه چیزی تلقی می‌گردد؟ به نظر نگارندگان، در این مورد اصلح اعتبار نظر مرجع رسیدگی‌کننده بر تعیین قانون کشوری است که از این سازوکار، بیشترین خسارت را متحمل شده است. اما در زمینه تعیین معیار خسارات وارده، آنچه در دیدگاه دکتین حقوق بین‌الملل برداشت می‌شود، ائتلاف منافع اساسی حاصل از پردازش داده می‌باشد (کرافورد، ۲۰۱۹، ص ۴۶۲). از این رو، در مواجهه ضررهای مالی و جانی، ضررهای جانی واجد اولویت بیشتر بوده و در مواجهه ضررهای مالی، ضرری که خسارت بیشتری بر یکی از اطراف این سازوکار وارد نموده باشد، به عنوان معیار تعیین قانون حاکم می‌تواند تلقی گردد.

### ۳. اصل تنظیم‌گری کشور مبدأ

مطابق با اصل فوق، قانون حاکم بر دعوا، قانون کشوری است که وظیفه نظارت بر عملکرد ابزارها و تجهیزات فعال در حوزه صلاحیت سرزمینی خود را دارد (آلمن، ۲۰۱۸، ص ۲۹-۳۰). به عبارت دیگر، در صورتی که کنترل‌کننده در کشور آلمان مبادرت به انعقاد قرارداد فروش ابزار به تبعه کشور فرانسه کرده باشد، چنانچه تجهیزات فعالیت کنترل‌کننده در کشوری ثالث مانند اسپانیا باشد، قانون حاکم بر دعوا، قانون کشور اسپانیا خواهد بود. این امر، در ماده ۳ راهنمای آیین تهمیه اطلاعات در زمینه معیارها و ضوابط فنی و قوانین خدمات جامع‌ه اطلاعاتی اروپاییان، مصوب ۲۰۰۳ ناظر بر دستورالعمل مصوب ۱۹۹۸ این راهنما نیز تصریح شده است که مطابق با بند دوم از ماده مرقوم دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه، در مواجهه با دعوی مربوط به ابزارهای الکترونیکی، باید از اعمال قانون مقر دادگاه خودداری و مبادرت به اعمال قانون مقر نظارت بر تجهیزات مستحدث شرکت کنند (بونل و جاکیم، ۲۰۱۸، ص ۱۸). اگرچه اصل مذکور، در مواردی که محل استقرار محل فعالیت تجاری کنترل‌کننده یکسان بوده، قابلیت تطابق با اصل کلی موجود در نظام حقوقی اتحادیه اروپا را دارد، اما تعارض این اصل، با اصل کلی بیان شده در گفتار پیشین، علاوه بر آنچه در ابتدای این بند بیان شد، زمانی می‌تواند بروز نماید که کنترل‌کننده شرکتی، با شرکت‌های تابعه متعدد در سرتاسر جهان باشد. در این صورت، همانطور که بیان شد، نظام حقوقی اتحادیه اروپا، قانون کشور محل استقرار شرکت مادر را حاکم بر دعوی می‌داند. در حالی که مطابق با اصل بیان شده در این بند، قانون کشور ناظر بر کنترل‌کننده‌ای که تجهیزات وی در آن کشور مستقر می‌باشد، حاکم بر دعوا خواهد بود. این قانون، می‌تواند حسب مورد قانون محل استقرار شرکت مادر یا شرکت‌های تابعه باشد.

نکته دیگر، تعارض ظاهری مبانی موجود در آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶ و راهنمای دستورالعمل مصوب ۱۹۹۸ می‌باشد. در موارد وجود تعارض میان مقررات مصوب اتحادیه، آیا امکان اجرای قواعد مقدم و مؤخر وجود داشته و آیین‌نامه مصوب ۲۰۱۶، می‌تواند ناسخ مقررات راهنمای دستورالعمل ۱۹۹۸ باشد؟ در این زمینه، سند بین‌المللی که

نسبت به ارائه راه حلی اقدام نماید، وجود نداشته و اگر مطابق با مبانی موجود در نظام داخلی کشورها، قائل بر نسخ مقررات مقدم در مواجهه با مقررات موخر باشیم، مسئله حل شده تلقی می‌گردد. اما اگر نتوان قواعد حاکم بر حقوق داخلی را در سطح بین‌الملل اجرا کرد، رفع این مشکل، نیازمند سیاست‌گذاری تقنینی خواهد بود (فینک و پالاس، ۲۰۲۰، ص ۳۶). البته نکته قابل طرح اینکه اصل بیان شده در این بند، تنها در حوزه ابزارهای الکترونیکی قابلیت اجرایی دارد و تعارض میان مفاد اصل مذکور و اصل کلی بیان شده در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، به جهت الکترونیکی بودن ابزارهای اینترنت اشیا و ابزارهای کنترل کننده آنها، توسط طراحان آنها می‌باشد. در حالی که اگر این ابزارها در زمره ابزارهای الکترونیکی قرار نمی‌گرفتند، تعارض ظاهری موجود میان مفاد مقررات بیان شده، نمی‌توانست زمینه اجرای قواعد حل تعارض را فراهم آورد؛ چراکه اساساً به جهت تفاوت محل جریان دو مقرره، امکان تعارضی نیز وجود نداشت، تا بحث رفع آن مطرح گردد.

#### ۴. اصل تنظیم‌گری کشور مقصد

مطابق با این اصل، قانون حاکم بر دعوا قانون کشور متبوع مصرف‌کننده می‌باشد. از این رو، دارنده ابزار در هر کشوری، مبادرت به اقامه دعوی کند، قانون کشور متبوع وی، حاکم بر دعوا خواهد بود (کراتبی و دیگران، ۲۰۱۹، ص ۱۳-۹). از آنجاکه ابزارهای اینترنت اشیا، کالاهایی مصرفی می‌باشند که مالکیت آنها در زمان فروش، از کنترل کننده به دارنده منتقل و از لحظه انتقال مالکیت، دارنده به عنوان مصرف‌کننده قانونی آن ابزار تلقی می‌شود، قوانین حمایتی مصوب اتحادیه اروپا، از جمله دستورالعمل راجع به تجارت الکترونیکی مصوب ۲۰۰۰ و دستورالعمل راجع به اعتبارات مصرف‌کننده مصوب ۱۹۹۹ نیز قانون حاکم بر قرارداد میان کنترل کننده و دارنده را به عنوان قانون حاکم بر دعوا تلقی کرده‌اند. اما به جهت عدم وجود هرگونه قرارداد قانونی میان مصرف‌کننده و پردازنده، امکان اجرای مقررات دستورالعمل‌های مذکور فراهم نمی‌باشد. با این حال، اصل تنظیم کشور مقصد، با تسری این حکم به الزامات خارج از قرارداد، در راستای حمایت از مصرف‌کننده کالا، قانون حاکم بر دعوی غیر قراردادی را نیز قانون کشور متبوع مصرف‌کننده قرار داده است (فردلینگر، ۲۰۱۹، ص ۱۲). آنچه در خصوص مبانی حاکم بر حقوق ایران بیان شد، بیانگر تطابق قانون حاکم بر دعاوی میان دارنده اطلاعات و کنترل کننده ابزار و اصل مذکور می‌باشد. همانطور که بیان شد، ارتباط حقوقی میان دارنده و کنترل کننده، ماهیتاً ارتباط میان تاجر و مصرف‌کننده می‌باشد که قانون کشور متبوع مصرف‌کننده را به عنوان قانون حاکم تلقی کرده است. اما در خصوص سایر دعاوی معیارهای بیان شده، واجد تعارضاتی با اصل مورد تحلیل در این بند می‌باشند.

#### نتیجه‌گیری

با ابداع ابزارهای اینترنت اشیا، مسائل مستحدث جدیدی پیش روی نظامات حقوقی قرار گرفته است. حل آنها نیازمند سیاست‌گذاری‌های تقنینی می‌باشد. قانون حاکم بر دعاوی ناشی از نقض مقررات حفاظت از اطلاعات

خصوصی، در سازوکار عملکرد ابزارهای اینترنت اشیا، مسئله جدیدی است که به جهت ماهیت مختلط خود، سیاست‌گذاران اتحادیه اروپا را ملزم به پیش‌بینی این امر، در مقررات جدیدالتصویب این اتحادیه کرده است. آنچه از تدبّر در آیین‌نامه عمومی حفاظت از اطلاعات خصوصی، مصوب ۲۰۱۶ این اتحادیه برداشت می‌گردد، این است که قانون محل استقرار شرکت مادر کنترل‌کننده، قانون حاکم بر این نوع دعاوی در اتحادیه اروپا خواهد بود. وجود قاعده‌ای معین در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، دارای مزایایی از جمله پیشگیری از رخداد تعارض قوانین در میان کشورهای عضو اتحادیه و متحدالشکل نمودن مقررات حاکم بر کشورهای عضو می‌باشد. اما همانند آنچه در متن پژوهش نیز به تفصیل بیان شد، این معیار با برخی از اصول کلی حقوق بین‌الملل، از جمله اصل سرزمینی بودن، اصل حمایت در حقوق بین‌الملل، اصل تنظیم‌گری کشور مبدأ و اصل تنظیم‌گری کشور مقصد، دارای تعارضاتی خواهد بود. علاوه بر آن، در روابط فراقاره‌ای میان کشورهای عضو اتحادیه و خارج از اتحادیه، تفاوت میان مبانی حقوقی موجود در هر نظام، می‌تواند منجر به مسئله تعارض مثبت میان قوانین حاکم بر کشورهای طرف دعوا گردد که ضرورت اصلاح مقررات موجود در اتحادیه اروپا را تحکم می‌بخشد.

اما در نظام حقوقی ایران، به جهت عدم وجود مقرره‌ای که در خصوص دعاوی مختلط امکان استناد به آن وجود داشته باشد، تعیین قانون حاکم بر این دعاوی، منوط به تفصیل میان دعاوی ناشی از قرارداد و دعاوی ناشی از الزامات خارج از قرارداد خواهد بود. همانطور که بیان شد، به جهت ماهیت قرارداد میان دارنده و کنترل‌کننده، که در زمره قراردادهای تجار و مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد، در این دعاوی قانون حاکم، قانون کشور متبوع دارنده اطلاعات خواهد بود. در خصوص دعاوی میان کنترل‌کننده و پردازنده نیز مطابق با صحیح‌ترین نظر میان نظرات موجود قانون حاکم، توجه به اصل حاکمیت اراده، قانون ناشی از توافق طرفین می‌باشد. در خصوص دعاوی ناشی از روابط میان دارنده و پردازنده نیز صحیح‌ترین نظر از میان نظرات موجود تحکیم بخش قانون محل وقوع زیان یا محل استقرار پردازنده اطلاعات خواهد بود. وجود این فرایند در کشور ایران، علاوه بر آنکه متأثر از ابهامات و اختلاف نظرات موجود میان حقوق‌دانان، در خصوص سازوکار تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی و خارج از قرارداد در کشور ایران می‌باشد، با اصول بیان شده در حقوق بین‌الملل نیز واجد تعارضاتی خواهد بود. رفع این تعارضات نیز نیازمند دو مقوله است:

اولین مقوله، ضرورت تصویب قانون جامع در زمینه پیش‌بینی احکام راجع به ابعاد حقوقی حفاظت از اطلاعات خصوصی اشخاص، از جمله قانون حاکم بر دعاوی می‌باشد. همانطور که بیان شد، در ایران تنها مواد ۵۸ و ۵۹ قانون تجارت الکترونیکی، دارای شرایطی در زمینه چگونگی پردازش داده‌های خصوصی می‌باشند. در حالی که هیچ تفصیلی، نه در این قانون و نه در سایر قوانین در خصوص مواردی مانند چگونگی شناسایی مسئولیت خاطیان، قوانین حاکم بر دعوا، سازوکارهای انعقاد قراردادهای پردازش و... پیش‌بینی نشده است. از سوی دیگر، اصلاح قوانین جاری برای رفع اختلاف نظرات موجود، میان حقوق‌دانان و پیشگیری از ایجاد رویه‌های متعدد مقوله دومی می‌باشد که نیازمند توجه می‌باشد.

## منابع

- جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، مجموعه محشی قانون مدنی، چ دوم، تهران، گنج دانش.
- سلجوقی، محمود، ۱۳۸۵، حقوق بین الملل خصوصی، تعارض قوانین و تعارض صلاحیت‌ها، چ سوم، تهران، میزان.
- شریعت باقری، محمدجواد، ۱۳۹۵، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، میزان.
- عیوضپور، علی اصغر و حمیدرضا نیک‌بخت، ۱۳۹۰، «اصل حاکمیت اراده به عنوان قاعده حل تعارض در تعهدات غیر قراردادی»، *حقوقی بین‌المللی*، دوره ۲۸، ش ۴۴، ص ۱۳-۵۴.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، چ ششم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- مافی، همایون، ۱۳۹۴، «تعیین قانون قابل اعمال بر تعهدات غیرقراردادی در مقرر رم ۲ اروپا»، *حقوقی بین‌المللی*، دوره ۳۲، ش ۵۳، ص ۲۸۷-۳۱۴.
- نیازی، عباس و علیرضا یزدان‌بان و محمود جلالی، (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی قانون حاکم بر مسئولیت مدنی با وجود عنصر خارجی در حقوق ایران»، *دانش حقوق مدنی*، دوره ۶ ش ۲، ص ۷۷-۸۹.
- Altman, Micah & Etc, (2018),» Practical approaches to big data privacy over time», *International Data Privacy Law*, Volume8, Issue1, February, pp 29-51
- Bonell, Michael Joachim, (2018),» The law governing international commercial contracts and the actual role of the Unidroit Principles», *Uniform Law Review*, Volume23, Issue1, March, pp 15-41
- Crawford J, (2019),» Brownlie's Principles of Public International», *Oxford University Press*, 9th edition
- Finck Michèle, Pallas Frank, (2020),» They who must not be identified—distinguishing personal from non-personal data under the GDPR», *International Data Privacy Law*, Volume10, Issue1, February, pp 11-36
- Frydinger, David & Etc, (2019),» A New Approach to Contracts», *Harvard Business review*, online Edition Available at: <https://hbr.org/2019/09/a-new-approach-to-contracts>
- Hornle Julia, (2019),» Juggling more than three balls at once: multilevel jurisdictional challenges in EU Data Protection Regulation», *International Journal of Law and Information Technology*, Volume27, Issue2, pp 142-170
- Janciut, Laima, (2018),» Data protection and the construction of collective redress in Europe: exploring challenges and opportunities», *International Data Privacy Law*, Volume3, Issue1, Spring, pp 1-13
- Kohl, U. (Accessed 13 Apr2020).» Jurisdiction and the internet: Regulatory competence over online activity». *Cambridge: Cambridge University Press*, Online Edition: [www.Amazon.com](http://www.Amazon.com)
- Lindqvist, Jenna, (2018),» New challenges to personal data processing agreements: is the GDPR fit to deal with contract», *International Journal of Law and Information Technology*, Volume26, Issue1, Spring, pp45-63
- Rühl Giesela, (2019),» The Law Applicable to Smart Contracts, or Much Ado About Nothing?», *OBLB categories of Commercial Law*, online Edition Available at:

<https://www.law.ox.ac.uk/business-law-blog/blog/2019/01/law-applicable-smart-contracts-or-much-ado-about-nothing>

Ryngaert, (2015),» More generally, with respect to regulatory law: C Ryngaert, Jurisdiction in International Law», *Oxford University Press*, 2nd edition

Ryngaert C &van Eijk N, (2019),» International cooperation by (European) security and intelligence services: reviewing the creation of a joint database in light of data protection guarantees», *International Data Privacy Law*, Volume9, Issue1, February, pp 61–73

Schwenzer I, (2016),»Global Unification of Contract Law», *Uniform Law Review*, Volume43, Issue2, pp 52-71

Stijn van Deursen, Thom Snijders. (2019),» The Court of Justice at the Crossroads: Clarifying the Role for Fundamental Rights in the EU Copyright Framework», *Online Edition:www.Springer.com*

Urquhart, Lachlan &Etc, (2019),» Demonstrably doing accountability in the Internet of Things», *International Journal of Law and Information Technology*, Volume27, Issue1, Spring, pp 1-27.

